

ابن میمون هومانیست

نوشته آنجل سائز - بادیلوس

وقتی ذهن قرن بیستمی خودمان را متوجه آثار یک متفکر قرون وسطایی می‌کنیم، باید بیش از آن که در پی حقایق عینی یا نظرات دقیق یانیم به دنبال گرایشهای عمومی بگردیم.

فیلسوفی قرن دوازدهمی چون موسی بن میمون کاملاً مرد زمان خویش بود. او تحت تأثیر اوضاع شخصی خود قرار داشت - گذراندن عمده ایام عمر در مهاجرت یا تبعید؛ تماس با مقولات شکل‌دهنده تکامل اندیشه در جامعه بهبود و زبستن در جو مفروضات و مسائل فلسفه

زمان خویش. از این لحاظ اندیشه او منعکس‌کننده ویژگیهای یک اقلیت مذهبی غوطه‌ور در جریانات عمده تفکر اسلامی حاکم در خاورمیانه، شمال آفریقا، و بخش بزرگتر اسپانیاست.

نگاهی سطحی به آثار هر فیلسوف قرون وسطایی شاید فقط پاسخهای او به مسائل ناشی از اوضاع تاریخی را آشکار سازد و از این رو شاید متوجه بعدی عمیقتر نگردد. کمتر روی می‌دهد که اندیشمندی بزرگ یکباره مقولات عصر خویش را از گونه کند. او معمولاً آن

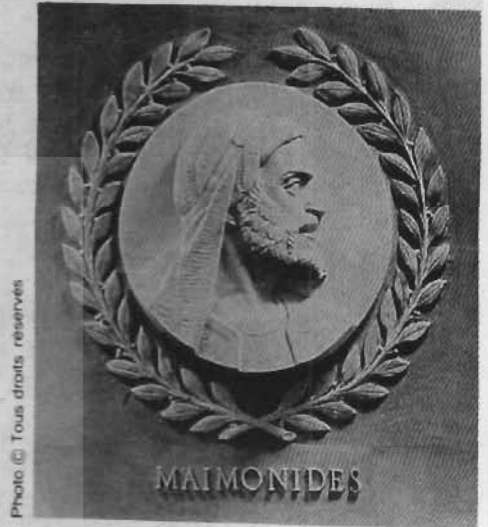


Photo © Tous droits réservés

دو تک‌چهره از ابن میمون. چپ - نخستین تصویر طراحی شده از فیلسوف یهودی اسپانیایی در کتابی از بیاجو او گولینی به نام تساروس آنتیکویتاتوم ساکراوم چاپ سال ۱۷۴۴ در ونیز. نام ابن میمون روی نواری به عبری نوشته شده است. بالا - نقش برجسته‌ای بر مرمر سفید از برندا (Brenda putnam) که در سال ۱۹۴۹ ساخته شده است. این یکی از ۲۳ لوح بزرگی است که به یاد قانونگذاران بزرگ بشر تهیه شده و در مجلس نمایندگان آمریکا در واشینگتن است.

ccclxxxiii PRÆFATIO ccclxxxiv

In Theologiae An. 1662. *Repleat etiam cum laude: "Scriptor ille est ex recenzi-
 20 bus maxime argutus & acutus, nequaquam ita scrupulose, ut plerique alii, Mag-
 21 strosos suosum placit addit; sed sapens ab illo recedens, & libere animi sui
 22 sententia profertur: non enim, quod fieri potest, litterarum Scripturae scilicet sequens
 23 & precum etc. (*) Et Augustus Paphis Professor Academicus Lipsiensi Comissarius
 24 Abhensis in Praefata prius digni elapsi exornavit, ubi in Praefatione sua edidit
 25 Lipsiensi An. 1685. pariter sic scripsit: "Sedem libere, ubi ab antiquitate ab-
 26 struere obscuritate quidem laborat, ut Noster (Abhensis) lib. illustrat, ut Chri-
 27 stianorum locutiones (praefertur in Libris Samuele & Regum) ubi comparat mo-
 28 ra nonnunquam tuncque videtur sic. Ita in scriptis peritissimis, ubi meo
 29 quidem iudicio, sive e Iudeis, sive e Christianis, scriptis ubi expulsi multo
 30 Abhensis libris, Ritas veterum Hebraeorum, a vulgi potius remotione, &
 31 ubique sibi in texta horum librorum aliqua esse videtur, ut modo, sine per-
 32 te atque expedit, plene atque plane penetrat. Non tantum tammodo illud
 33 nolet, verum Deba, quaeque Testatur, ubi plures, uno sermo interpretatur
 34 in munitione venerunt, ita ingenio movet, utque sententia, ut canite lingua
 35 in sui administratione rapere facile possit, & Mores alio vultu Declinavit, ubi Lib-
 36 bri Hebraici ubique Iudeorum Scripturae ubi non possit, & multo magis quae Lib-
 37 Moisi, in quibus multa, quod attinet Kiba & alia, ubi magis adhibentur
 38 invaluta, & tenetis immerita sunt, quae non nisi e Philologiae operibus probata se-
 39 huius rebus possunt. Cum Philologia non vocat tantum, sed tam ubi ac plerumque
 40 res ipsas docet & tractat.*

Circa huius Operi addidit anaphorice Libellum, qui M. J. T. vocatur, vocatur
 Praefatio doctis Lectorem. Index ad hunc novum editionem Tractatus de Fide atque
 ad Megillah Taanith accomodavit & digessit Omsallin & D. J. Vitis juvenis
 Lippati, H. Bern. Reuter, S. S. Minif. Caml. & Otta Christian. Bredel, S. A. Theol.
 Studii, qui Loca S. Scripturae, Voces Hebraicas, Res & Verba, ad hunc deus Lib-
 41 rae competenter accurate notavit. Denique addit quosdam commentos venios, in
 Praefatione prima pag. 7. lin. 22. & 23. appellationes erant omittenda, quae citata ex
 Seraphus differenda a Scaligerano. In Addendis & Corrigendis pag. penultima pro
 pag. 193. legi debet pag. 153. & pro pag. 169. legi pag. 196. & in fine pro 2020 legi
 INDEX. Tu interius, Benevole Lectore vale, & studio pulchre laborate.

Hartstovici d. 24. Julii.
 MDCCXXIV.

(*) Titulus de Christianorum commentis ad hunc
 numerum. Abhensis inter alios commen-
 42 tos peritissimus est ubi dicitur: "Hic
 43 vero Dignus alique Christiano non magis
 44 transmissio interpretatus est comparatione huius
 45 libris. Mores adhibentur de Abhensis, ubi ubi
 46 ubi ubi lib. libelle, & ubi ubi ubi
 47 interpretatio agit; alios ubi ubi ubi
 48 ubi, ubi et plerumque canit epistola papali,

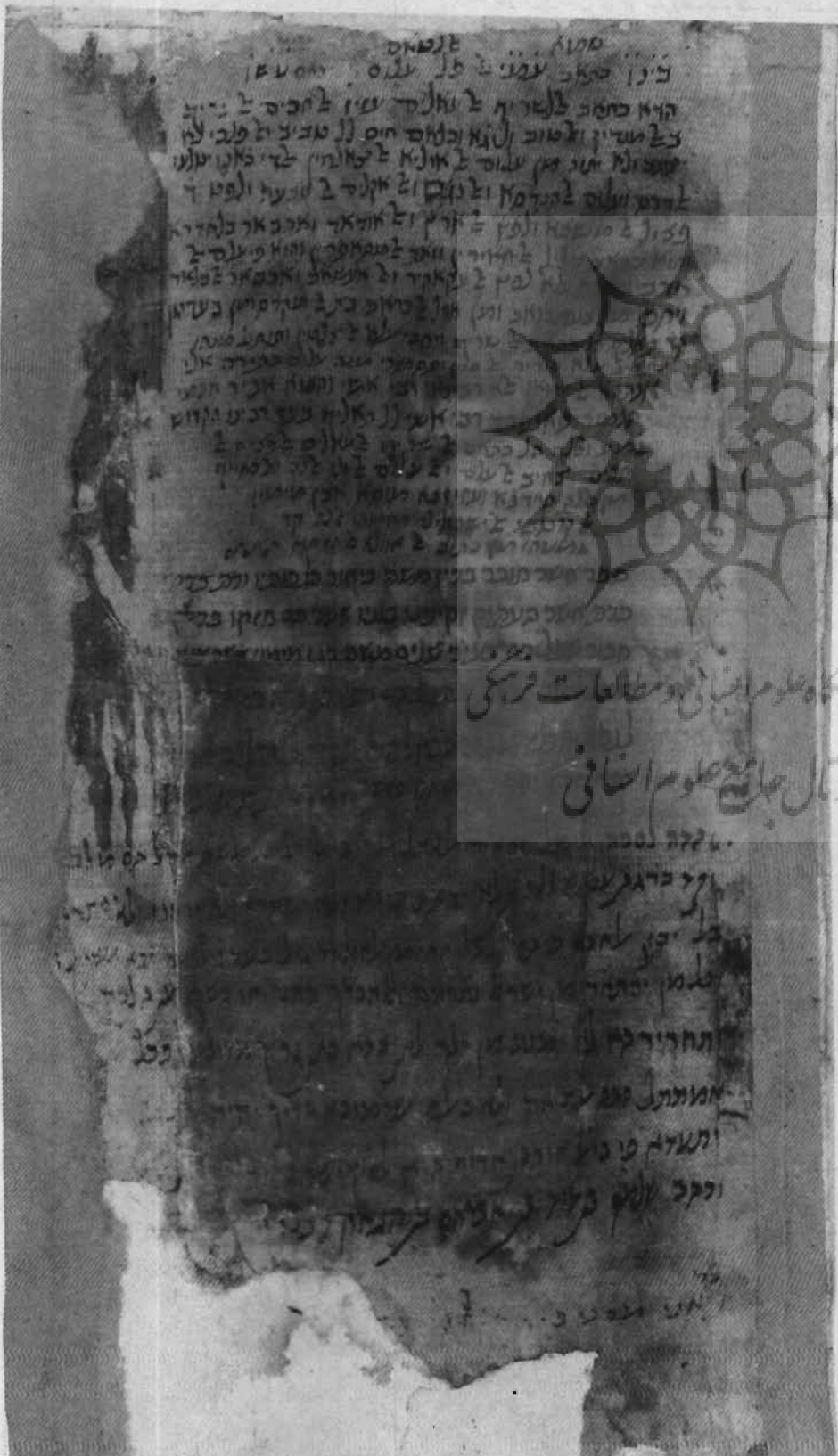
روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



CON.



Photo ©: Tous droits réservés



سه تمير از تميرهای پستی بسیاری که به یاد این
 میمون در کشورهای مختلف منتشر شده است. از چپ
 به راست: تمير اسپانیایی سال ۱۹۶۷ با تصویری از
 تندیس او در کوردوبا (قرطبه); تمير اسرائیلی سال
 ۱۹۵۲; تمير گرنادایی سال ۱۹۷۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه دیجیتال ملی
 کتابخانه ملی و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

© Bibliothèque bodlienne, Oxford, Royaume-Uni

تکه‌ای از نسخه کاغذی «شرح میشنه» که به دست خود
 ابن میمون نوشته شده است. او عادت داشت به زبان
 غربی ولی به خط عبری بنویسد. این شرح بر نخستین
 «کتاب» میشنه در حدود سال ۱۱۶۸ میلادی. کسی پس
 از ورود مؤلف به قاهره، نوشته شد.

مقولات را مبدأ حرکت می‌گیرد و جلو می‌رود تا امکانات و جهت‌های تازه‌ای، برای اکتشاف، پیش پای اندیشه و رفتار انسان بگذارد، به گونه‌ای که برداشتن گام‌های بلند بدون مزاحمت تاریک تنیده به توسط عنکبوت نظرات رایج امکان‌پذیر گردد. این گرایش به فراتر رفتن از زمان و در عین حال حفظ تعادل خود در نقطه عطف، متمیزه اندیشمندان بزرگ گذشته است. می‌توانیم به جرأت بگوییم که ابن‌میمون بی‌تردید یکی از اندیشمندان بزرگ قرون وسطی و یکی از کسانی است که راه تازه‌ای را پیروزمندان گشوده است.

در حالی که اکثر همکیشان یهود او بین عالم ایمانشان، تورات یا شریعت موسی، و عالم حکمت بشری، علم و فلسفه میراث یونانیان، تضادی اساسی می‌دیدند، ابن‌میمون از آن استادان معارف یهود بود که به خوبی می‌فهمید این دوگانگی مجعول است. به عقیده او علوم بشری نمی‌تواند در تضاد کامل با ایمان باشد؛ برعکس باید کاملش کند و عمیقترش سازد.

محتوای فلسفه ارسطو و محتوای ایمان یهود نهایتاً در یک جوهره شریکند. از دید ابن‌میمون، کمال مذهبی را فقط کسی می‌تواند به چنگ آورد که قادر به جذب معرفت، هم بشری و هم الهی، باشد. موسی و ارسطو دست در دست هم می‌نهند تا کمک کنند انسانیت به قله کمال یعنی معرفت و عشق خدا صعود کند. باید به یاد داشته باشیم که جامعه‌ای که او در آن می‌زیست، و به ویژه جماعت یهودی خود وی، دیدی کاملاً مذهبی داشت و خدا را در مرکز عالم می‌دید. ابن‌میمون از این موضع نگست، ولی تأکید کرد که باید جایی برای جزء دیگر، جزء بشریتر یعنی خرد یا فلسفه، نیز در نظر گرفته شود. کمتر اندیشمندی در قرون وسطی بیش از او برای پایان دادن به کشمکش ایمان و خرد کوشش کرد.

خردگرایی ابن‌میمون وجهی از هومانسیم (بشرانگاری) اوست. خردانگار بودن در قرون وسطی به معنی پایان بخشیدن به ترس از موجودات فوق طبیعی و ناشناخته، پایان دادن ترسهای غیرمنطقی انسان بود و این مسئله مبارزه با همه انواع بیگانگی و هر اراده خودسری بود که احکام و قواعد عمل را بر افراد تحمیل می‌کنند. عبارت دیگر به معنی بشری ساختن ایمان مؤمن بود. انسان قرون وسطایی اصولاً مؤمن بود، چنانکه ابن‌میمون بود. او در تلاش ساختن عالمی بشریتر بود، گرچه خدا همچنان در مرکز آن می‌ماند. انسان موجودی که در آرزوی وحدت عاشقانه با خداوند است، فقط به شرطی به این هدف غایی دست می‌یابد که قوه انسانی خود را تماماً به فعل درآورد، زندگی ارزشمندتری را در پیش بگیرد، و جهل را به دور افکند تا رفتارش ارتقا پیدا کند.

ابن‌میمون می‌خواست به معاصرانش کمک کند تا بتوانند خود را از سرگشته‌باشان و از همه انواع خرافاتی که در بندشان کشیده بود و حتی از سوداهایی که آنان را به دنبال خود می‌کشید و مانع می‌شد که به انسانهای کاملی بدل گردند آزاد کنند. تأکید بر جنبه عقلی از دید او به معنی طرد الگوی خدامحورانه عالم نبود، بلکه برای جابجا کردن نقاط تمرکز بر واقعیت بود تا هر چیز در جای مناسب خود قرار گیرد. از طریق تصوف کاذب، و از راه غیرعقلانی که استعاره جهل را میسر می‌سازد، انسان به عشق الهی نایل نمی‌شود، بلکه در شاهراه حکمت و عقل و آگاهی از علوم بشری و تکمیل آنها با علوم الهی به آن دست می‌یابد. انسانی که در این شاهراه پیش می‌رود،



Photo © Bibliothèque nationale, Vienne, Autriche

میناتور قرن دوازدهم با تصویر ابن‌میمون در حال بررسی ادرار درون تنگ، موسی بن‌میمون علاوه بر آنکه فیلسوف و متفکر مذهبی بود، همانند ابن رشد از بزرگترین اطباء زمان خویش نیز بود. او در آثار طبی متعددی (شرح کلمات قصار بقراط، جامع کتب جالینوس، رساله در باب تنگی نفس، راهنمای حفظ الصحة...) دانش معاصر خود در این زمینه را تلخیص کرد و پیش برد.

هرگز نباید استفاده از هوش خود را کنار بگذارد یا فریب نامعقول و ناشناخته را بخورد. به همین سان در حوزه اخلاق، انسان بازبجه یک قادر مطلق خودسر نیست. فرمانهای شریعت موسی همگی دلیلی برای وجود خود دارند و تعهداتی نیستند که پلهوسانه بر اراده انسان تحمیل شده باشند. ابن‌میمون، بدین ترتیب، نوعی یشردوستی به وجود می‌آورد که هنوز مذهبی بود ولی در درجه اول انسان را مدنظر داشت.

این یشردوستی، او را به مبارزه با از خودبیگانگی انسان و هر چه وی را از مقصد حقیقیش در عالم منحرف می‌کرد کشاند. ابن‌میمون با هر نوع بت‌پرستی مخالف بود، چه آن را یکی از خطرناکترین اشکال از خودبیگانگی می‌دانست. پرستش کرات و ستارگان یا تصاویر منقوش، تن دادن به بردگی خرافات، اعتقاد به طالع‌بینی، اجرای هر

نوع مراسم مذهبی بدوی؛ اینها همه انسان را از به فعل درآوردن کامل قوه‌اش باز می‌دارد. او حتی درگیری دیوانه‌وار در فعالیت اقتصادی برای ارضای نیازهای غیرضروری انسان را، شکل دیگر از خودبیگانگی و قابل مقایسه با بردگی پست‌ترین سوداها، می‌دانست. از دید ابن‌میمون، خرد و معرفت نماینده آزادی راستین بشریت است.

یلیدی موجود در عالم نه کار پروردگار بل نتیجه کاری است که انسانی در حق انسان دیگر می‌کند، یا پیامد آسیبی است که انسانی به خود وارد می‌آورد؛ و تقریباً همیشه نتیجه جهل است. فقط معرفت، که برای انسان مثال نعمت یسای است، می‌تواند گیمه و دشمنی را دور براند. کسی که از معرفت بی‌بهره است، همانند گوری است که به در و

دیوار می‌خورد و به دیگران می‌کوبد. یکی از بلاهایی که مردم می‌توانند بر سر هم بیآورند، استبداد است. معرفت حقیقی، شرط ضروری رهایی تاریخی بشریت است. بزرگی روح ابن‌میمون تا بدان جاست که از محدوده تنگ اکثریت همکیشان وی فراتر می‌رود و او بیش از آنکه در فکر مقولات یهود باشد، در بعدی تازه و جهانی می‌اندیشد. طریق حق در انحصار برگزیدگان نیست؛ به روی همه باز است. فیلسوفان بزرگ یونان، در راه معرفت راستین، راهی دراز پیموده بودند؛ بشارتهای تورات نه تنها به قوم یهود بل به کل بشریت بود.

پس ابن‌میمون به ایمان نیاکان خود پایبند می‌ماند، ولی در عین حال با نگرش واقعاً جهانی خود همه خلقها را دربر می‌گیرد. او که خود قراوان چوب تمصب را خورده است، تن به وسوسه تعصب نمی‌سپارد. او باور دارد که دیگر ادیان تکخدایی نیز نقش مثبتی در آماده‌سازی جهان برای معرفت تنها خدای واقعی و شریعتش، بازی کرده‌اند. گرچه او همه مسائل را از دیدگاه یک یهودی مؤمن می‌بیند، ولی تعبیرش از شریعت موسی راهی را نشان می‌دهد که به تفاهم انسانی بیشتر و حس برادری بیشتر در میان انسانها می‌انجامد. از این لحاظ او از زمان خود پیش است.

از ابن‌میمون انتقاد کرده‌اند که برده‌فروشی را محکوم نکرده است، با لحنی تحقیرآمیز از اقوام نیمه وحشی سخن رانده است، و نظری بسیار منفی نسبت به زنان و نقششان در جامعه داشته است. این راست است که او به طبقه بندیهای زمان خود در باب این موضوعات پشت پای محکمی نزد، ولی با درک خویش از ارزش انسان توانست راستاهای تازه‌ای نشان دهد.

او فرد پنهان در پس نمای بیرونی بردگی را دید؛ او خواستار رهایی ستمکشان از طریق آموزش و شرایط کاری منصفانه‌تر شد؛ او تکیه‌گاه روحانی زنان را نیز همتر از مردان گرفت. او از گذشته نبرید، ولی کوشید نظام ارزشی و گرایشهای زمان خود را تغییر دهد تا امکان ساختن جامعه‌ای به راستی انسانیت‌فرام گردد. همین جاست که، به اعتقاد من، سرچشمه ارتباط او با حال و سرمنشأ قدرت اثرگذاری او بر تفکر جدید نهفته است.

آنخل سانتز پادیلوس، اهل اسپانیا، استاد زبان و ادبیات عبری در دانشگاه گرانادا است. او در گذشته در دانشگاه کومپلوتسیان در مادرید تدریس می‌کرد. تألیفاتی در زمینه زبان‌شناسی و شعر عبری اسپانیایی در قرون وسطی و درباره تاریخ تفسیر کتب مقدسه در اسپانیا از وی به چاپ رسیده است.